

جایگاه نمادین رنگ در ادبیات پایداری در اشعار قیصر امین پور و محمود

درویش

صابره سیاوشی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۷

محمد خسروی چیتگر**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۸

چکیده

در ادبیات امروز، نمادها نقش مهمی در تصویرآفرینی و انتقال معانی ایفا می‌کنند. یکی از این نمادها که به شکلی هوشمندانه از سوی شاعران مورد استفاده قرار می‌گیرد عنصر رنگ است. از همین روی شاعران مقاومت با بکارگیری رنگ‌های مختلف سعی در بیان آرمان‌ها و خواسته‌های خود دارند. به عنوان نمونه قیصر امین پور در ادبیات پارسی و محمود درویش در ادبیات عربی با بکارگیری نمادها در آثار خود، تداعی‌های پر رمز و رازی در حوزه‌های تمثیلی با زمینه‌های گوناگون فرهنگی، آیینی و تاریخی آفریده‌اند. عنصر رنگ یکی از اجزای مهم صور خیال و یکی از عناصر برجسته زبان نمادین این دو شاعر است که در خدمت بیان مفاهیم مورد نظر ایشان قرار گرفته است. این مقاله به بررسی رنگ‌های نمادین به عنوان سمبل ادبیات مقاومت در اشعار قیصر امین پور و محمود درویش پرداخته است. بررسی و تحلیل چهار رنگ سبز، سرخ، زرد و سیاه که بیش‌ترین بسامد کاربردی را در اشعار این دو شاعر داشته‌اند، موضوع اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. روش کار به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان می‌دهد که هر دو شاعر از رنگ سیاه به عنوان نماد حزن و اندوه، رنگ سرخ نماد اعتراض و قیام، رنگ زرد نماد جدایی و نرسیدن به هدف؛ و رنگ سبز به عنوان نماد مقاومت و پایداری بهره برده‌اند.

کلیدواژگان: ادبیات پایداری، رنگ، نماد، محمود درویش، قیصر امین پور.

saberehsiavasi@yahoo.com

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

mohamadkhosravi729@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نویسنده مسئول: محمد خسروی چیتگر

مقدمه

مفهوم‌شناسی نماد

«نماد می‌تواند به معنی نمود باشد که ماضی نمودن است، یعنی ظاهر شد و نمایان گردید. و به معنی فاعل نیز آمده است که ظاهرکننده باشد. و به معنی ظاهر کرد و نمایان گردانید» (تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۶۷). «نماد در لغت به معنی "نمود"، و "نماینده" است و در برابر واژه خارجی Symbol از کلمه یونانی Symbolon به معنی علامت، نشانه و اثر گرفته شده است» (داد، ۱۳۸۲: ۴۹۹).

از آنجا که رنگ نیز مثل موسیقی بین ملت‌های مختلف زبان مشترک جهانی به شمار می‌آید و در اکثر موارد این دو برای مفاهیم مشابهی به کار می‌روند، اغلب افراد درک نسبتاً یکسانی از رنگ‌ها دارند. برای مثال پرچم سفید، نشانه صلح است و مفاهیم رنگ پرچم کشورها برای همگان تا حد زیادی قابل درک است. رنگ‌ها با توجه به ویژگی‌های گوناگون خود، این قابلیت را دارا می‌باشند که در زمینه‌های متنوع روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و ... به انتقال مفاهیم مختلفی بپردازند که شاید با استفاده از ابزار دیگر نتوان آن مفاهیم را منتقل کرد. بنابراین ممکن است بسیاری از محدودیت‌هایی که واژگان معمولی دارند را نداشته نباشند. نکته قابل توجه دیگر در مورد رنگ‌ها این است که با توجه به اینکه می‌توان به وسیله آن‌ها تصاویر متناقضی را خلق کرد و خیال و احساسات مخاطبین را بیش‌تر تحت تأثیر قرار داد، اگر از مفاهیم و دلالت‌های رنگ‌ها آگاهی نداشته باشیم به سختی می‌توان به مقاصد و آرمان‌های شاعران پی برد.

از آنجا که رنگ‌ها تأثیر عمیق و فوق‌العاده‌ای در عواطف و اذهان مخاطبان بر جای می‌گذارند، جایگاه والایی در انتقال تجربه‌های بشری و به‌خصوص تجربه‌های احساسی دارند؛ به همین سبب صفاتی چون سردی و گرمی، شادی و غم، زشتی و زیبایی، تازگی و کهنگی و امثال این‌ها فراوان به رنگ‌ها نسبت داده می‌شود. اگر به ادبیات ملت‌ها مراجعه کنیم در می‌یابیم که مردم در گذشته‌های دور و در مراسم مختلف، از رنگ‌های خاصی بهره برده‌اند که آثار آن، گاه تا روزگار ما نیز باقی مانده است. اگر بخواهیم به بحث رنگ‌ها از جنبه فرهنگ و تمدن ملت‌ها بپردازیم می‌توان گفت رنگ‌ها مفاهیم خاصی را در هر فرهنگی به خود اختصاص داده‌اند و هر ملتی استفاده‌های متفاوتی از این رنگ‌ها

در زمینه‌های رمزی و اسطوره‌ای و ... می‌کنند که باعث تمایز ایشان از فرهنگ سایر ملت‌ها می‌شود.

برای مثال «سبز روشن رنگ غسل تعمید است و به خاطر ارتباطش با باغ‌ها و درختان، با بهشت و نعمت مرتبط است. اکنون نیز سبز زیتونی، رنگ اسلام است» (مختار، ۱۹۹۷: ۱۶۵).

«در قرون اولیه در چین، هند و اروپا، رنگ زرد مقدس بود و مسیحیان آن را در لوحه‌های مقدس کلیساها به کار می‌بردند و به خاطر ارتباط آن با نور خورشید، این رنگ را رمز الهه خورشید می‌دانستند» (ریاض، ۱۹۶۵: ۱۶۵).

در میان مسلمانان رنگ سیاه برای عزاداری به کار می‌رود. رنگ سرخ رمز شهادت و فداکاری، رنگ سفید رنگ شادی و سرور و رنگ لباس حاجیان است. بنابراین در فرهنگ‌های گوناگون با محوریت فرهنگ و اعتقادات ملت‌ها، دلالت‌های مختلفی از رنگ‌ها پدید آمده است که با مقدسات، اسطوره‌ها، آداب و سنن و شرایط تاریخی و جغرافیایی آنان ارتباط مستقیم دارد.

پیشینه پژوهش

در ادبیات معاصر و نیز در حیطه ادبیات پایداری بسیاری از پژوهشگران به مسأله نمادپردازی که از تأثیر مهمی در صور خیال برخوردار است پرداخته‌اند، از جمله این نمادها رنگ است. از پژوهش‌هایی که در این زمینه شکل گرفته می‌توان به مقاله دکتر مرتضی قائمی و مجید صمدی با عنوان «بررسی کاربرد رنگ‌ها در تصویرپردازی محمود درویش از مقاومت فلسطین» و مقاله علی محمدی و جمیله زارعی با عنوان «بررسی و تحلیل آرایه نماد در سروده‌های قیصر امین پور» و مقاله محمد مهدی سمتمی و نرجس طهماسبی نگهداری با عنوان «رنگ‌های نمادین در اشعار صلاح عبدالصبور» و همچنین به مقاله یحیی معروف و بهنام باقری با عنوان «جایگاه نمادین رنگ در ادبیات مقاومت (نمونه مورد پژوهانه: سمیح قاسم)» اشاره کرد.

با عنایت به نو بودن مبحث رنگ‌پژوهی در ادبیات و نیز با توجه به اینکه تا کنون پژوهشی در زمینه مقایسه رنگ در اشعار محمود درویش و قیصر امین پور صورت نگرفته است، وجود پژوهشی در تبیین مفاهیمی که دو شاعر از طریق بکارگیری نمادین رنگ‌ها

در حوزه ادبیات پایداری استفاده کرده‌اند، ضرورت به شمار می‌رود. هم‌چنین این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:

- ۱- استفاده نمادین از رنگ‌ها تا چه اندازه با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه دو شاعر مرتبط است؟
- ۲- میان مفاهیمی که هر دو شاعر از طریق کاربرد نمادین رنگ به آن‌ها پرداخته‌اند چه نقطه اشتراکی وجود دارد؟
- ۴- بکارگیری رنگ به عنوان نماد در شعر کدام شاعر بیش‌تر است؟

رنگ و نماد در ادبیات

نماد یکی از آرایه‌های ادبی است. ویژگی بارز نماد، ابهام و عدم صراحت و غیرمستقیم بودن آن است؛ به این معنا که در زبان سمبلیک، مراد و مقصود، ظاهر و صورت کلام نیست بلکه مفهومی و رای ظاهر، فراتر و عمیق‌تر از آن است. از سوی دیگر یکی از خصوصیات منحصر به فرد شعر جدید که آن را از شعر قدیم متمایز می‌سازد، استفاده از رمز و اسطوره است (ممتحن و حاجی زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۵). در اشعار شاعران معاصر، از یک سو شاهد حضور فعال و مؤثر رنگ‌ها به عنوان نماد و رمز و از سوی دیگر، شاهد تنوع زیاد آن‌ها هستیم. گسترش نقاشی و هنر نیز از عوامل تأثیرگذار در افزایش توجه شاعران به رنگ در شعر معاصر است.

«مسأله ابهام و غموض در شعر معاصر از عوامل تأثیرگذار در توجه مهم شاعران به رنگ است. از آنجایی که رنگ‌ها در طول تاریخ، برای اشخاص گوناگون معانی مختلفی داشته‌اند، لذا می‌توانند یکی از مهم‌ترین عناصر، برای نمادپردازی انسان باشند؛ چراکه رنگ و سمبل، همانگونه که گفته شد مکمل تجربه‌های انسان و بازتابی از تفکر مردم است. بنابراین بکارگیری رنگ‌ها در معانی نمادین و سمبلیک از ویژگی‌های شعر معاصر است» (سمتی و طهماسبی، ۱۳۹۰: ۶۹). بکارگیری نمادها و رمزها یکی از برجستگی‌های ممتاز شعر معاصر ایران و عرب و به‌ویژه شعر مقاومت است. شاعران ادبیات مقاومت برای بیان مفاهیم، اندیشه‌ها و آرمان‌های خود، به هر وسیله‌ای تمسک جست‌ه‌اند. ایشان از رهگذار نماد و رمز، وضعیت مردم ستمدیده خود را به تصویر می‌کشند؛ و از آنجا که

بستر اصلی کاربرد نمادین رنگ در شعر معاصر، مسائل سیاسی و اجتماعی است، خفقان سیاسی و اجتماعی موجود جامعه را می‌توان مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل گرایش شاعران مقاومت به عنصر رنگ و دلالت‌های نمادین آن دانست.

قیصر امین پور و رنگ

وی در سال ۱۳۳۸ در گتوند خوزستان به دنیا آمد. در سال ۶۳ اولین کتاب‌هایش «تنفس صبح» و «در کوچه آفتاب» را منتشر ساخت و دو سال بعد به انتشار «طوفان» پرداخت. تا سرانجام در تهران و در ۴۸ سالگی در اثر مشکلات زیاد جسمانی که حاصل تصادف سختی بود درگذشت. از کتاب‌های مهم او «سنت و نوآوری در شعر معاصر»، مجموعه «گل‌ها همه آفتابگردان‌اند» و «دستور زبان عشق» است که از آخرین کارهایش به شمار می‌آید. علی محمدی و جمیل زارعی در مقاله «بررسی و تحلیل آرایه نماد در سروده‌های قیصر امین پور» بر این اعتقادند که «نمادگرایی قیصر به دلایل داخلی و خارجی با تحولات و حوادث تأثیرگذار بر زندگی شاعر در ارتباط است. قیصر زاده انقلاب بود و شخصیت علمی و ادبی او در فضای خاص انقلاب شکل گرفت» (محمدی و زارعی، ۱۳۹۰: ۴۳). جنگ تحمیلی از حوادث تأثیرگذار بر زندگی امین پور است. چراکه او فرزند سرزمین خوزستان، جبهه اصلی نبرد با دشمن متجاوز است. وی از جمله شاعرانی است که شکل‌گیری و درخشش شعری‌اش با پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی هم‌زمان بود. عمده اشعار وی در فضای آرمان‌های انقلاب اسلامی و جنگ سروده شده است؛ از سوی دیگر او شاعری متعهد به ارزش‌های مذهبی است و اعتقادی استوار به آرمان‌های انقلاب دارد. با فروکش کردن التهاب جنگ و انقلاب، شاعر با واقعیت زندگی روبه‌رو می‌شود و خسته از آرمان‌گرایی به گوشه‌ای خزیده و دردمند است.

هدف / امین پور از بکارگیری برخی نمادها بیان حال و هوای درونی خود اوست. در واقع او به واسطه رنگ که از جمله این نمادهاست؛ خواست‌ها، آرمان‌ها، دلتنگی‌های خود را بیان کرده است.

به عنوان نمونه برای بیان آرزوی شهادت و رهایی از جسم و تعلقات، از پرواز و قفس استفاده می‌کند و گاهی اوقات نماد رنگ در شعرهای مرتبط با جنگ قیصر، برای تشویق

رزمندگان به کار می‌رود. رهایی فلسطین نیز از جمله موضوعاتی است که در شعر قیصر یافت می‌شود. او درباره فلسطین نیز از نمادهای مربوط به رنگ بهره برده است که نگارندگان در ادامه به آن خواهند پرداخت.

محمود درویش و رنگ

«محمود سلیم درویش در ۱۳ مارس سال ۱۹۴۲ در روستای البروه فلسطین متولد شد» (النقاش، ۱۹۷۱: ۹۷). «او یکی از رانده‌شدگان فلسطینی بود که به همراه خانواده‌اش به لبنان رفت. طولی نکشید که به وطن بازگشت، اما در وطنش نیز همواره مانند پناهندگان می‌زیست. او تنهایی و سختی زندگی در وطن را بسی ارزشمندتر از پناهندگی در کشورهای دیگر می‌دانست» (خلیل جحا، ۱۹۹۹: ۴۶۹-۴۷۰). درویش در طول زندگانی خود که همراه با درد و اندوه بود، در فراق وطن سوخت و دست به آفرینش آثار ارزشمندی زد. وی توانست مجموعه‌های شعری بسیار و هم‌چنین چندین کتاب و مقاله منتشر کند. از مشهورترین مجموعه‌های شعری‌اش می‌توان به «عاشق من فلسطین»، «آخر الليل»، «العصافیر تموت فی الجلیل»، «أوراق الزیتون» و «عصافیر بلا أجنحة» اشاره کرد. او در ۹ آگوست ۲۰۰۸ میلادی دار فانی را وداع گفت.

محمود درویش از پیشگامان شعر معاصر عربی است. توجه بیش از حد او به مسأله فلسطین و وطن یکی از عوامل شهرت اوست به طوری که اگر آن دسته از اشعاری که وی در مورد وطن و فلسطین سروده است از دیوانش حذف شود، او شعر چندانی نخواهد داشت. در کنار موسیقی که از عوامل زیبایی شعر محمود درویش است می‌توان به عنصر رنگ، که وی در بسیاری موارد از آن برای زیبایی شعرش استفاده کرده است اشاره کرد. رنگ یکی از عوامل زیبایی شعر درویش به شمار می‌آید. از آنجا که درویش از نقش رنگ‌ها در تأثیرگذاری بر عواطف و احساسات آگاهی دارد، سعی در استفاده هوشیارانه از این عنصر به صورت نمادین در اشعار خویش دارد (قائمی و صمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۷).

رنگ‌های پرکاربرد در شعر قیصر امین پور و محمود درویش

با بررسی اجمالی که در دیوان محمود درویش و هم‌چنین هشت مجموعه شعری قیصر/امین پور صورت گرفت؛ پس از استخراج رنگ‌های موجود در اشعار این دو شاعر،

مشاهده شد که از میان رنگ‌های مختلف، چهار رنگ سبز، سرخ، زرد و سیاه از بیش‌ترین بسامد در اشعار پایداری این دو شاعر برخوردارند که به ترتیب به آن‌ها خواهیم پرداخت.

سبز

رنگ سبز، رنگ طبیعت است و در برابر رنگ قرمز قرار دارد. این رنگ نماد رشد، توازن و هماهنگی، تازگی، حاصلخیزی، ایمنی، قدرت معالجه، ثبات، پایداری و امید است. رنگ سبز برای چشم انسان ایجاد آرامش و راحتی می‌کند. رنگ سبز زیتونی نیز رنگ صلح است. سبز نمایانگر عزم راسخ، پایداری و از همه مهم‌تر مقاومت در برابر تغییرات می‌باشد و از ثبات عقیده نیز حکایت می‌کند. رنگ سبز از لحاظ نمادی شباهت به درخت کاج دارد که دارای ریشه‌ای عمیق، مغرور و تغییرناپذیر است (لوچر، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۴). رنگ سبز در شعر محمود درویش بیش‌ترین کاربرد را به عنوان نماد مقاومت و پایداری به خود اختصاص داده است، که می‌توان موارد آن را از هم متمایز کرد. به عنوان مثال رنگ سبز زیتونی، و به طور کلی زیتون، نماد کشور فلسطین است. درویش در جای جای اشعارش به این نماد پرداخته و به وسیله آن به جاودانگی و پایداری فلسطین اشاره کرده است.

والکونُ یسعی ...

سَنْظَلُ فِي الزَّيْتُونِ خَضْرَتَهُ

وَحَوْلَ الْأَرْضِ دَرَعاً

(دیوان، ۲۰۰۰: ۳۲)

- و هستی در تکاپوست ... و در حالیکه پیرامون زمین را جنگ افزارها احاطه کرده است، سبزی زیتون را حفظ خواهیم کرد.

شاعر در شعر به تلاش و کوشش مردم فلسطین در حفظ سرسبزی زیتون پرداخته، که در حقیقت به این موضوع اشاره کرده که چون سرسبزی زیتون نشان سرزندگی آن است و از آنجا که زیتون، نماد فلسطین است مردم آن در حقیقت برای جاودانگی کشورشان از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد.

از موارد دیگری که درویش از رنگ سبز به طور نمادین استفاده کرده می‌توان به امید داشتن به آینده و روزهای خوش اشاره کرد. با توجه به اینکه درویش در محیط فلسطین زندگی کرده لذا از تمام عناصر آن برای بیان نمادین مقاومت بهره برده است. از جمله او با اشاره به سبزبودن رنگ چشم کودکان فلسطینی می‌گوید:

یا سهرَ التفاؤلِ فی أمانینا

لخُضرةِ أعینِ الأطفالِ ...

ننسج ضوءَ رایتنا

(دیوان، ۲۰۰۰: ۵۱)

- ای خوش‌بینی‌ای که در آروزهای‌مان به خاطر سبزی چشمان کودکان بیدار مانده‌ای ... نور پرچم‌های‌مان را می‌بافیم.

درویش از اشاره به سبزی چشمان کودکان، امید و اشتیاق را مد نظر دارد. قیصر/امین پور نیز به موضوع رهایی فلسطین می‌پردازد؛ این امر به خاطر تأثیری است که ادبیات مقاومت فلسطین بر ادبیات مقاومت ایران گذاشته است. او در شعرهای «پنجره» و «منظومه فلسطین» به این موضوع اشاره کرده است. او از زیتون که نماد صلح و آرامش است استفاده کرده و می‌گوید:

هر سحر مادر از لانه می‌رفت

در پی آب یا دانه می‌رفت

باز می‌آمد از راه هر بار

شاخه سبز زیتون به منقار

(امین پور، ۱۳۸۵: ۳۳)

قیصر در این شعر به تلاش کبوتر که می‌توان آن را نمادی از مردم جامعه دانست برای نشان دادن آرامش و پایداری صلح بهره برده است. او لانه را نماد کشور دانسته و سبزی زیتون را نماد آرامش به حساب آورده است.

رنگ سبز در اغلب اشعار/امین پور در ارتباط نمادین با شهید و شهادت است. «رنگ سبز نماد ایمان و عقیده به رستاخیز و محشر است. هم‌چنین سبز مظهر تقدس و نشان پاکی است» (نیکو بخت و قاسم زاده، ۱۳۸۴: ۲۳۴).

سبز در شعر/امین پور نماد جاودانگی، طراوت، نشاط و تکامل و پختگی نیز هست.
او را چنان که خواست
با آن لباس سبز بکارید
تا چون همیشه سبز بماند
تا چون همیشه سبز بخواند

(امین پور، ۱۳۶۴: ۳۳)

همان طور که می‌بینیم/امین پور از سرباز شهید یا کسی که لباس سبز به تن دارد، سخن می‌گوید. لباس سربازان ایرانی سبز است. قیصر می‌خواهد به مردم بگوید چنین کشته‌ای جاودانه می‌ماند چرا که در ادبیات ما و دین اسلام شهیدان رمز جاودانگی هستند و خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران / ۱۶۹)

خوشا چون سروها استادنی سبز
خوشا چون برگ‌ها افتادنی سبز
خوشا چون گل به فصلی سرخ مردن
خوشا در فصل دیگر، زادنی سبز

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۶۰)

قیصر در این شعر به وضوح به جاودانه بودن شهید اشاره دارد.
از موارد دیگری که/امین پور از رنگ سبز بهره برده است، نشان دادن آن به عنوان سمبل کمال است. قیصر این نماد را برای شهیدان به کار برده است.

افتاد
آن سان که مرگ
آن اتفاق سرد
می‌افتد اما
او سبز بود و گرم که
افتاد

(امین پور، ۱۳۷۸: ۱۳۸)

همان طور که می‌دانیم آدمی هنگام مرگ بدنش سرد می‌شود و قیصر این واقعیت را در مورد شهید بر عکس می‌داند و با رنگ سبز که نماد سرزندگی و نشاط است به شهید اشاره می‌کند و بر این باور اعتقاد راسخ دارد که انسان با شهادتش به تکامل می‌رسد. هم‌چنین / امین پور رنگ سبز را نماد پایداری می‌داند و در این باره در شعر «قطعنامه جنگل» می‌گوید:

هرچند در دلش

جای هزار خاطره تاول بود

جنگل بلند و سبز

به پا خاست

جنگل هجوم طوفان را

تکذیب می‌کند!

جنگل همیشه جنگل

خواهد ماند!

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۱۸)

در این ابیات / امین پور به استواری و پایداری که از ویژگی‌های ادبیات مقاومت است با رنگ سبز در قالب جنگل اشاره می‌کند. وی معتقد است که هم‌چنان که جنگل علی‌رغم طوفان و درگیری حوادث، هم‌چنان سبز است. شاعر در واقع از ملت‌ها می‌خواهد که از جنگل پایداری را یاد بگیرند و هر ملتی که مورد هجوم دشمنان قرار گرفته، می‌تواند با مقاومت و پایداری به گذشته خود که درخشان و پر از بزرگی و نشاط بوده بازگردد.

سرخ

سرخ بیانگر نیروی زندگی است و از همین روی معنای آرزوها و تمام شکل‌های میل و اشتیاق را در خود نهفته دارد. قرمز یعنی لزوم بدست آوردن نتایج مورد نظر و کسب کامیابی. این رنگ نشانگر آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در سایه خود دارند. سرخ یعنی محرک، اراده برای پیروزی و تمام شکل‌های شور و قدرت (لوچر، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۷). با اینکه رنگ قرمز در ادبیات، خصوصاً ادبیات انقلابی و حماسی رنگ مهمی است و جایگاه والایی دارد، محمود درویش کم‌تر به

آن پرداخته است. به عنوان مثال درویش در قصیده «جبین و غضب» رنگ قرمز را به کار می‌گیرد و می‌گوید:

أيها النسْرُ الذی یرسف فی الأغلال من دون سبب
أيها الموتُ الخرافی الذی کان یحب
لم یزل منقارک الأحمراً فی عینی
سیفاً من لهب

(دیوان، ۲۰۰۰: ۲۳۴)

- ای عقابی که بی دلیل در زنجیرها تکان می‌خورد/ ای مرگ افسانه‌ای که عاشق بود هنوز منقار سرخت در چشمانم همچون شمشیری گداخته فرو رفته است. در این شعر محمود درویش از رنگ قرمز به عنوان نماد خون استفاده کرده است و نیز می‌تواند نماد درد و رنج‌های جامعه نیز باشد. همه این موارد او را می‌آزارد. شاعر رنج می‌کشد، او این دردها را مانند شمشیری گداخته در آتش می‌پندارد که در چشمانش فرو رفته است و او را آزار می‌دهد.

هم‌چنین درویش رنگ قرمز را به عنوان نماد اعتراض در قصیده «الأغنية والسلطان» به کار برده و چنین می‌گوید:

كانت الأغنية الحمراء جمرة
حاول السلطان أن یحبسها
فیذا بالنار ثورة

(دیوان، ۲۰۰۰: ۲۴۸)

- ترانه سرخ، اخگری بود/ که پادشاه برای خاموش کردنش تلاش‌ها کرد/ اما به ناگاه آتش به انقلابی تبدیل شد.

درویش اعتراض‌ها را به اخگرهایی تشبیه کرده که پادشاه سعی در خاموش کردن آن‌ها دارد. او پادشاه را خاکستر روی اخگر می‌داند و بر این باور است که خاکستر نمی‌تواند این شراره‌ها را خاموش کند و در نهایت این اخگرهاست که به آتش که همان انقلاب است تبدیل می‌شوند.

قیصر نیز رنگ سرخ را نماد جاودانگی می‌داند و شهادت و شهید را جاودانه می‌داند.

کو عمر خضر؟

رو طلب مرگ سرخ کن

کاین شیوه، جاودانه‌ترین طرز بودن است

(امین پور، ۱۳۶۴: ۳۲)

لاله، گلی سرخ‌رنگ و آتشین است و از این رو با خون تناسب دارد. در شعر/امین پور
لاله نماد «شهید» است.

این بشر سرخ کیست

هرچند سرخ سرخ به خاک افتاد

اما

این ابتدای سبزی او بود

(امین پور، ۱۳۶۴: ۳۳)

خوشا چون سروها استادنی سبز

خوشا چون برگ‌ها افتادنی سبز

خوشا چون گل به فصلی سرخ مردن

خوشا در فصل دیگر زادنی سبز

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۶۰)

امین پور مرگ و شهادت شهید را نیستی و نابودی نمی‌داند بلکه آغاز رویش او می‌داند
و او را جاودانه می‌پندارد. موارد مذکور از تشبیهاتی که در این شعر به کار رفته نمایان
است.

/امین پور رنگ سرخ را نماد شهادت می‌داند و در شعر «تا حادثه سرخ رسیدن» چنین
می‌گوید:

کالیم که سرسبز دل از شاخه بریدیم

تا حادثه سرخ رسیدن نرسیدیم

در این شعر قیصر از واژه کال که نماد عدم تکامل و پختگی است بهره برده تا بدین
وسیله نشان دهد که همان‌طور که میوه به هنگام رسیدن از آن حالت خامی درمی‌آید و

تغییر رنگ می‌دهد انسان نیز با شهادت به تکامل می‌رسد و از شهادت به حادثه سرخ تعبیر می‌کند و کمال انسان را در شهادت او می‌داند.

زرد

«زرد، رنگ روشنی، بازتاب، کیفیت درخشان و شادمانی زودگذر آن است. زرد نماینگر توسعه‌طلبی بلامانع، سهل گرفتن یا تسکین خاطر است» (لوچر، ۱۳۸۶: ۹۰). با دقت نظر در دیوان محمود درویش می‌توان به این نتیجه رسید که شاعر رنگ زرد را نماد جدایی و نرسیدن به اهداف و آمال می‌داند.

كَبْرُ الرَّحِيلِ

كَبْرُ اصْفَرَارِ الْوَرْدِ يَا حَبِيَّ الْقَتِيلِ

(دیوان، ۲۰۰۰: ۲۰۳)

- ای عشق کشته شده‌ام/ کوچ به درازا کشید و زردی گل سرخ بیش‌تر و بیش‌تر شد

آن‌چنان که از این شعر پیداست درویش این شعر را در غربت و به دور از فلسطین سروده است. او در واقع از دوری خود شکایت می‌کند و هجرت خویش را طولانی می‌پندارد. از آنجا که گل سرخ در ادبیات مظهر عشق است، شاعر از عشق خود نسبت به وطن به گل سرخ تعبیر می‌کند و می‌پندارد همان‌گونه که گل سرخ پژمرده می‌شود و به زردی می‌گراید عشق او نیز نسبت به وطنش به چنین سرنوشتی دچار گردیده است. کمی دقت در اشعار درویش نشان می‌دهد که او رنگ زرد را نماد جدایی و فراق می‌داند.

يَتَخَاطَفُن ظِلَّ الشَّجِيرَاتِ فَوْقَ الرَّخَامِ وَيَتَرَكُن لِي

وَرَقَ الْعَمْرِ أَصْفَرَ

مَرَّ الْخَرِيفَ عَلَيَّ وَلَمْ أَتُبْهُ

(دیوان، ۲۰۰۰: ۵۵۶)

- سایه درختچه‌ها را از روی مرمرها می‌ربایند/ و برای من برگ‌های خزان زده عمر را بر جای می‌گذارند/ پاییز بر من گذشت و بدون اینکه متوجه گذرش شده باشم.

همان گونه که ما فصل پاییز را بیش تر با رنگ زرد می‌شناسیم درویش نیز با بکاربردن پاییز، به سرآمدن عمر خویش اشاره دارد و به نظر می‌رسد او این شعر را در اواخر عمرش سروده باشد و در شطر اول نیز به نوعی جدایی، البته از نوع اجباری آن، اشاره دارد. / امین پور نیز مانند درویش از رنگ زرد به عنوان نمادی برای جدایی استفاده کرده است و با فصل پاییز که زمان جدایی برگ از درخت است به جدایی از دوستان شهید خود اشاره دارد.

افتاد

آن سان که برگ

- آن اتفاق زرد -

می‌افتد

(امین پور، ۱۳۷۸: ۱۳۸)

او نیز به مانند درویش به رنگ زرد، نگاهی مثبت دارد و می‌گوید:

سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم

ولی دل به پاییز نسپردیم

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۰۲)

می‌توان گفت / امین پور در این شعر رنگ زرد را به عنوان نمادی برای مقاومت همراه با مصیبت‌ها و غم و اندوه را مد نظر دارد و نیز اینکه علی‌رغم همه مشکلات از مقاومت دست برنمی‌دارد و تسلیم دشمن نمی‌شود.

سیاه

«سیاه تیره‌ترین رنگ است. سیاه نمایانگر مرز مطلق است که در فراسوی آن زندگی متوقف می‌گردد، و لذا بیانگر اندیشه پوچی و نابودی است. سیاه به معنای «نه» بوده و نقطه مقابل «بله» رنگ سفید است. سفید به صفحه خالی می‌ماند که داستان را باید روی آن نوشت ولی سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد. سیاه و سفید دو حد افراط و تفریط هستند. سیاه به عنوان نفی‌کننده خود، نشانگر ترک علاقه، تسلیم یا انصراف نهایی بوده و از تأثیر قوی بر هر رنگی برخوردار است و ویژگی‌های آن رنگ را مورد تأکید و اهمیت قرار می‌دهد» (لوچر، ۱۳۸۶: ۹۷). رنگ سیاه

در دیوان درویش بسیار به کار رفته است و در موارد مختلفی به طور نمادین از آن بهره برده شده است.

او گاهی رنگ سیاه را نماد فلسطین اشغالی می‌داند و می‌گوید:
زیتونیهٔ سوداء
وهذا الوطنُ
مقصلةً أعبدُ سکینها
إن تذبحونی لا یقول الزمنُ
رأیتکم!

(دیوان، ۲۰۰۰: ۱۴۹)

- زیتونی سیاه‌رنگ/ و این همان مرز و بوم است/ گیوتینی که لبه‌اش را می‌پرستم/
اگر مرا ذبح کنید روزگار به اینکه شما را دیده است اعتراف نمی‌کند.
همان‌طور که در قسمت رنگ سبز بیان شد زیتون یا رنگ سبز زیتونی نماد فلسطین
به شمار می‌رود، ولی در این شعر شاعر با بکاربردن رنگ سیاه در کنار رنگ سبز
می‌خواهد به مسأله اشغال فلسطین توسط رژیم غاصب اسرائیل اشاره کند.
إنک الأخضرُ
ونشیدی لک یأتی دائماً أسودُ من کثرة موتی قُربَ نیرانِ جراحک
أیها الأخضرُ فی هذا السوادِ السائد

(دیوان، ۲۰۰۰: ۳۲۵)

- تو سراسر سبزی/ و سروده‌هایم که از تو می‌گویند از انبوه مردگان در نزدیکی
آتش زخم‌هایت همیشه سیاه‌اند/ ای سراسر سبز در میان این سیاهی خیمه
افکنده.

در این شعر شاعر در ابتدا وطن خود را سبز می‌داند ولی سنگینی سلطه و سایه
استعمار بر این سرزمین را عاملی برای سیاهی آن می‌داند و در کنار واژه سروده‌ها که
رنگ و بوی شادی دارند رنگ سیاه را به کار برده است تا از این طریق به ابراز حزن و
اندوه خود از اشغال سرزمینش بپردازد.

یا صاحبی!

یا أَسودَ العینین
خذنی!
کیف نفترق؟
ولیس لی سواک!

(دیوان، ۲۰۰۰: ۲۷)

- ای دوست من! ای سیاه چشم/ مرا با خود ببر! چگونه از هم جدا شویم؟ حال آنکه من جز تو کسی را ندارم!

در بسیاری موارد دیده می‌شود که درویش با اشاره به رنگ سیاه چشمان دوستان یا معشوقه خود سعی دارد که به هویت اصلی فلسطین و محدوده واقعی آن اشاره داشته باشد. او از ویژگی‌های ظاهری فلسطینیان به طور کلی سخن می‌گوید و از طرفی افرادی با این ویژگی‌ها را هم‌وطن و از دوستان خود به شمار می‌آورد تا جایی که می‌گوید:

العیونُ السوَدُ فی اسبانیَا
تنظر شزراً وحديثُ الحبُّ أبکم
یحفر الشاعرُ فی کفیه قبراً
إن تکلم

(دیوان، ۲۰۰۰: ۳۴)

- چشمان سیاه در اسپانیا/ تحقیرآمیز می‌نگرند و سخن عشق خاموش است/ شاعر اگر زبان بگشاید انگار در دستان خود گوری حفر می‌کند.

شاعر با این شعر به گذشته اسپانیا که در دست مسلمانان و عرب‌ها بوده اشاره دارد و ایشان را هم‌وطن و دوست خود می‌داند.

به طور کلی اگر بخواهیم در مورد رنگ سیاه که در اشعار درویش دیده می‌شود صحبت کنیم باید بگوئیم که رنگ سیاه متناسب با ویژگی‌هایی که دارد در اشعار درویش نمادی برای حزن و اندوه از یک‌سو و لعن و نفرین از سوی دیگر به کار رفته است. این رنگ در بیش‌تر موارد جنبه منفی دارد و در موارد محدودی هم جنبه مثبت پیدا می‌کند که در این مواقع به هویت فلسطین اشاره دارد.

قیصر رنگ سیاه را نماد ظلم و ستم و استعمار می‌داند:

تیغ مردان خورشید در مشت
کورسوی شب تیره را کشت

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۵۳)

امین پور در این شعر برای بیان ظلم و ستم و به طور کلی استعمار از نماد شب که مشخصه بارز آن سیاهی و تیرگی می‌باشد، استفاده کرده و به نوعی تشویق به جهاد در راه آزادی وطن اشاره دارد.

همان‌طور که در ادبیات ما نیز رنگ سیاه نماد حزن و اندوه و عزا است/ امین پور نیز به مانند درویش رنگ سیاه را برای حزن و اندوه به کار برده است.

اما چرا آهنگ شعرهایت تیره
و رنگشان تلخ است!

(امین پور، ۱۳۸۶: ۲۳)

امین پور در شعر «حسرت پرواز» از رنگ سیاه به عنوان نماد حزن و اندوه استفاده می‌کند و می‌گوید:

از روی یکرنگی شب و روزم یکی شد
هم‌رنگ بختم تیره رخت سوگ و سورم

(امین پور، ۱۳۸۶: ۶۲)

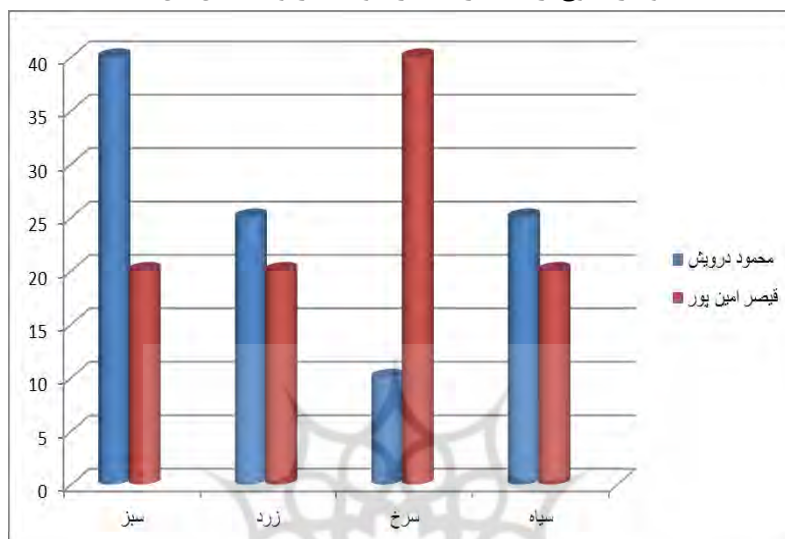
شاعر از اینکه از قافله شهدا و شهادت عقب مانده است غم می‌خورد و همیشه و در همه حال در حزن و اندوه به سر می‌برد.

روش تحلیل

از آنجا که این جستار از لحاظ آماری جزء پژوهش‌های کمی به شمار می‌آید؛ در تحلیل داده‌ها از روش تجزیه و تحلیل توصیفی که بهترین روش در پژوهش‌های کمی به شمار می‌آید استفاده شده است؛ برای این کار ابتدا به بررسی دیوان محمود درویش و هشت دفتر شعری قیصر/ امین پور از طریق شمارش رنگ‌ها پرداختیم و مجموعه رنگ‌هایی که دو شاعر در اشعار خود به کار برده‌اند، گردآوری شد. سپس از میان رنگ‌های مختلف، داده‌هایی در قالب چهار رنگ سبز، سرخ، زرد و سیاه که دارای بیش‌ترین کاربرد در حیطه ادبیات پایداری این دو شاعر بودند، طبقه‌بندی گردید. بعد از

گردآوری داده‌ها و طبقه‌بندی از طریق نرم‌افزار Spss اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌ها نموده و از طریق نمودار ستونی فراوانی هر داده مشخص شد.

نمودار تنوع رنگ در اشعار دو شاعر و تحلیل آن



نمودار فوق بر اساس بررسی‌های انجام‌شده نشان‌دهنده مطالب زیر می‌باشد:

در نمودار فوق، ستون اول هر نمایه مختص محمود درویش و ستون دوم مختص قیصر/امین پور است. در این نمودار، دو چیز بیش‌تر قابل توجه است؛ یکی اختلاف در دو رنگ سبز و سرخ که سبز در اشعار درویش بیش‌ترین کاربرد را دارد و سرخ در اشعار امین پور بیش‌ترین بسامد استفاده را دارد و دوم آنکه می‌توان گفت هر دو شاعر در استفاده از دیگر رنگ‌ها تقریباً برابرند. با توجه به نمودار، رنگ سبز بیش‌ترین کاربرد را در بین رنگ‌ها در اشعار درویش داشته و دلیل این امر ممکن است به شرایط محیطی و طبیعتی که درویش در آن زندگی می‌کرد بازگردد. این امر هم‌چنین ممکن است به نماد فلسطین که زیتون است مرتبط باشد. دلیل آنکه قیصر از رنگ سرخ بیش‌ترین بهره را برده است، به فرهنگ اسلامی ایران زمین برمی‌گردد چراکه ما در فرهنگ خود رنگ سرخ را همواره نماد شهید و شهادت و ایثار قلمداد کرده‌ایم و شهید را نماد جاودانگی می‌دانیم. نتیجه دیگری که حاصل می‌شود این است که درویش از آنجا که از دلالت‌های مختلف رنگ‌ها اطلاعات بیش‌تری نسبت به امین پور داشته توانسته است در موارد

متعدد و متنوع‌تری نسبت به /امین پور از رنگ‌ها بهره گیرد؛ که نمودار فوق مؤید مطالب یادشده است.

نتیجه بحث

با بررسی اشعار محمود درویش و قیصر/امین پور به این نتایج دست یافتیم:

۱- رنگ‌ها در ادبیات معاصر نقش بسیار مهمی را در تصویرآفرینی و انتقال مفاهیم بر عهده دارند؛ درویش و /امین پور نیز از این ویژگی به خوبی آگاهی داشته‌اند، از همین روی هر دو شاعر با توجه به خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی رنگ‌ها، از آن‌ها در قالب‌های مختلف از جمله مقاومت بهره برده‌اند.

۲- در میان رنگ‌ها، چهار رنگ سبز، سرخ، زرد و سیاه بیش‌ترین کاربرد را در اشعار مقاومتی قیصر/امین پور و محمود درویش به خود اختصاص داده‌اند.

۳- در استفاده از رنگ‌ها به عنوان نماد پایداری، هر دو شاعر به مضامین و مفاهیم مشترکی اشاره دارند، در این میان رنگ سیاه بیش‌تر به عنوان نماد جاودانگی و پایداری به کار رفته است، رنگ سرخ در اشعار درویش بیش‌تر به عنوان نماد اعتراض و قیام است و در اشعار /امین پور، نماد شهید و شهادت می‌باشد. رنگ زرد سمبل جدایی و نرسیدن به اهداف و آمال به کار رفته است و رنگ سیاه با توجه به خصوصیت بارز آن که پوچی و نابودی و توقف است به عنوان نماد حزن و اندوه به کار رفته است. رنگ سبز نیز نماد پایداری و مقاومت و در برخی موارد سمبل صلح است. وجود این مفاهیم و مضامین مشترک به نوبه خود نشان‌دهنده تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ما از انقلاب فلسطین است.

۴- محمود درویش و قیصر/امین پور هر دو از شاعران معاصر و طلایه‌داران ادبیات پایداری محسوب می‌شوند؛ ولی سهم درویش در استفاده نمادین از رنگ‌ها به مراتب بیش‌تر از /امین پور بوده است که با عوامل مختلفی از جمله شرایط سیاسی و محیطی و فرهنگی که درویش در آن زندگی می‌کرد در ارتباط است.

۵- درویش از عنصر رنگ در موارد متعدد و متنوع‌تری نسبت به امین پور بهره برده است. این امر نشان‌دهنده آگاهی بیش‌تر درویش از دلالت‌ها و مفاهیم مربوط به رنگ‌ها است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- امین پور، قیصر. ۱۳۷۲ش، **آینه‌های ناگهان**، تهران: نشر افق.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۶ش، **به قول پرستو**، تهران: نشر افق.
- امین پور، قیصر. ۱۳۶۴ش، **تنفس صبح**، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۶ش، **دستور زبان عشق**، تهران: نشر مروارید.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۵ش، **شعر کودکی**، چاپ اول، تهران: نشر مروارید.
- امین پور، قیصر. ۱۳۷۸ش، **گزیده اشعار**، تهران: نشر مروارید.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۰ش، **گل‌ها همه آفتابگردان‌اند**، تهران: نشر مروارید.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۵ش، **مثل چشمه مثل رود**، تهران: انتشارات سروش.
- تبریزی، محمد حسین بن خلف. ۱۳۷۶ش، **برهان قاطع**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خلیل جحا، میثال. ۱۹۹۹ش، **الشعر العربی الحدیث من احمد شوقی الی محمود درویش**، الطبعة الاولى، بیروت: دار العودة.
- داد، سیما. ۱۳۸۲ش، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، تهران: مروارید.
- درویش، محمود. ۲۰۰۰م، **دیوان**، الطبعة الثانية، بغداد: دار الحرية.
- ریاض، عبدالفتاح. ۱۹۶۵م، **التصویر الملون الكتاب الخامس فی سلسلة التصویر الضوئی**، الطبعة الاولى، قاهره: مكتبة الأنجلو المصرية.
- لوچر، ماکس. ۱۳۸۶م، **روان‌شناسی رنگ‌ها**، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران: نشر درس.
- مختار عمر، احمد. ۱۹۹۷م، **اللغة واللون**، الطبعة الثانية، قاهره: دار الکتب العلمية.
- النقاش، رجاء. ۱۹۷۱م، **محمود درویش شاعر الارض المحتلة**، الطبعة الثانية، بیروت: دار الهلال.

مقالات

- سمتی، محمد مهدی و نرجس طهماسبی نگهداری. پاییز ۱۳۹۰، «**رنگ‌های نمادین در اشعار صلاح عبدالصبور**»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، دوره ۷، شماره ۲۰، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- قائمی، مرتضی و مجید صمدی. بهار ۱۳۸۹، «**بررسی کاربرد رنگ‌ها در تصویرپردازی محمود درویش از مقاومت فلسطین**»، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۶۱-۲۸۷.
- محمدی، علی و جمیله زارعی. پاییز ۱۳۹۰، «**بررسی و تحلیل آرایه نماد در سروده‌های قیصر امین پور**»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۲، صص ۱۴۷-۱۷۴.

نیکویخت، ناصر و علی قاسم‌زاده. زمستان ۱۳۸۴، «زمینه‌های نمادین در شعر معاصر»، نشریه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. دوره جدید، شماره ۱۸، پیاپی ۱۵، صص ۲۰۹-۲۳۹.

